

عهد ما با خدا چیست؛ آیا ما در عالم ذر زندگی کرده ایم؟

عهد ما با خدا یا همان عهد الست در کدام عالم بسته شده است؟

- آیا شما هم از عالم ذر چیزی شنیده اید؟
  - آیا درباره عهد انسان با خدا چیزی می‌دانید؛ یعنی به راستی ما پیش از این دنیا در عالمی دیگر زندگی کرده و در آنجا با خدا عهدی بسته ایم؟
  - عهد ما با خدا بر پایه چه اصولی تنظیم شده و چرا باید به آن پایبند باشیم؟ آیا آن را به یاد داریم و به آن وفاداریم؟
  - عهد ما با خدا چه تأثیری در دنیا و ابدیت ما دارد؟
- عهد به معنای پیمان و تعهد برای انجام یا ترک یک کار است. همه ما در طول زندگی خود ممکن است در موارد مختلفی، مانند تعهدات تحصیلی، کاری و زناشویی، با دیگران عهد بسته باشیم. همان طور که می‌دانیم وفای به عهد از مهم‌ترین آداب و وظایف ما انسان‌هاست؛ با این وجود ممکن است برخی از ما به عهدی که بسته ایم وفادار نمانیم و لاجرم باید پیامدهای عدم وفای به عهد را هم بپذیریم. آثار منفی عدم وفاداری به عهد در تعهدات مختلف فرق می‌کند. گاهی مجبوریم به دلیل عدم پایبندی به یک تعهد، بهای سنگینی را بپردازیم؛ برای مثال ممکن است عدم پایبندی به تعهدات مدرسه یا دانشگاه، سبب اخراج دانش‌آموز یا دانشجو و عدم وفاداری به تعهدات ازدواج، باعث جدایی و طلاق شود.
- عهد ما با خدا مهم‌ترین و حیاتی‌ترین عهدیست که همه ما بر عهده داریم؛ عهدی که مربوط به مبدأ و معاد ماست. فراموش نکردن این عهد و وفای به آن، آثار مثبت در دنیا و آخرت و عدم وفاداری به آن، پیامدهایی منفی برایمان خواهد داشت.
- اما منظور از عهد با خدا چیست؟
  - این عهد چه موقع بسته شده؟

• چرا برخی از ما آن را فراموش کرده ایم؟

• عدم وفای به این عهد چه پیامدهایی برای ما خواهد داشت؟

در این درس به این سؤال‌ها پاسخ خواهیم داد.

### عهد ما با خدا یا عهد الست

قرآن کریم در آیه ۱۷۲ سوره اعراف<sup>۱</sup> به عهدی بین انسان و خدا اشاره می‌کند که به عهد «الست» مشهور شده: «...أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ؛ آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی می‌دهیم.» تفاسیر متعددی در رابطه با این آیه وجود دارد. عده ای معتقدند ما با همین شخصیت حقیقی ای که اکنون داریم در آن زمان هم وجود داشته ایم و با همین هویت در عالمی به نام ذر حضور داشته و به خدایی خدا گواهی داده ایم.

اما حقیقت این است که مراد از عهد الست و گواهی ما به الوهیت و ربوبیت خدا، گواهی زبانی و لفظی نبوده، بلکه گواهی وجودی بوده است؛ به این معنا که فطرت توحیدی و روح بی‌نهایت طلب ما که سرچشمه گرفته از خداست؛ به الوهیت و ربوبیت خدا گواهی می‌دهد؛ همچنان که در عالم دنیا هم همینطور است. همه ما وقتی به قلب خود رجوع می‌کنیم با تمایلاتی مواجه می‌شویم که هیچ حد یقینی برای آن‌ها وجود ندارد. ما همه چیز را بی‌نهایت می‌خواهیم؛ بی‌نهایت ثروت، بی‌نهایت قدرت، زیبایی تمام نشدنی، عمر جاودانه و ... عالم دنیا، عالم محدودیت است؛ بنابراین همان‌طور که پیشتر به طور کامل بررسی کرده و اثبات کردیم، این امیال نمی‌توانند نشأت گرفته از دنیا باشند؛ بلکه ریشه در روح ما دارند و روح ما نیز از جنس خداست. از این رو چه بدانیم و چه ندانیم، بندبند وجودمان به وجود موجود بی‌نهایت یعنی خداوند گواهی می‌دهد و در این زمینه فرقی بین مؤمن و کافر نیست.

<sup>۱</sup> «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ؛ و [به یاد آر] هنگامی را که پروردگارت از صلب بنی آدم نسلشان را پدید آورد، و آنان را [در ارتباط با پروردگاریش] بر خودشان گواه گرفت [و فرمود:] آیا من پروردگار شما نیستم؟ [انسان‌ها با توجه به وابستگی وجودشان و وجود همه موجودات به پروردگاری و ربوبیت حق] گفتند: آری، گواهی دادیم.» (سوره اعراف، آیه ۱۷۲)

با توجه به این نکات، مهم‌ترین عهد ما با خدا زندگی کردن بر پایه فطرت است. خداوند با دمیدن روح خود، همه اسماء و صفات خود را در فطرت و روح ما به ودیعه گذاشته و تنها رسالت ما در عالم دنیا، به فعلیت رساندن و تجلی دادن این صفات است؛ تا از این رهگذر به بالاترین مقامی که خداوند ما را برای آن آفریده، یعنی مقام خلیفه‌الهی دست پیدا کنیم. حال که عهد خود با خدا را شناختیم، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان در هر شرایطی به این عهد و پیمان وفادار ماند؟

### وفای به عهد الهی

وفای به عهد با خدا، یعنی نباید فراموش کنیم که حقیقت و سرچشمه وجود ما از خداوند است و در مسیر زندگی مان باید همواره به سمت خدا و شباهت به او حرکت کنیم تا با قلبی سلیم و با همان روح پاکی که به دنیا آمده بودیم، نزد خداوند بر گردیم. کلمه معاد به معنی بازگشت است؛ همه انسان‌ها هنگام آمدن به دنیا مراحل یکسانی را طی می‌کنند، اما در مسیر بازگشت راه بعضی از افراد از بعضی دیگر جدا می‌شود. کسانی که به عهد خود با خدا وفادار مانده و از کرامت انسانی خود پاسداری کرده‌اند، به سوی بهشت جاودان حرکت می‌کنند و کسانی که عهد خود با خدا را زیرپا گذاشته و روح مطهر خود را که مهم‌ترین امانت زندگی‌شان بوده به انواع ناخالصی‌ها و پلیدی‌ها آلوده‌اند، برای تصفیه و پاکسازی راهی جهنم می‌شوند.

ما تنها زمانی می‌توانیم در مسیر زندگی مان بر سر عهد خود با خداوند بمانیم که نسبت به مراحل حیات خود آگاهی و معرفت داشته باشیم؛ یعنی بدانیم از کجا آمده ایم، در کجا هستیم و به کجا خواهیم رفت. فرقی هم نمی‌کند در چه شرایط و جایگاهی هستیم؛ ثروتمند یا فقیر، سالم یا بیمار، مشهور یا گمنام و ... آنچه اهمیت دارد این است که در هر موقعیت و مختصاتی که هستیم، مبدأ و معاد خود را فراموش نکنیم و بر عهد خود وفادار بمانیم. هدف اصلی همه ما باید نزدیکی به خدا و کسب اسماء و صفات الهی در

موقعیت شخصی خودمان باشد. خداوند از هرکس به اندازه توانایی و امکانات خود او توقع دارد، نه بیشتر. لذا هر کدام از ما اگر در مختصات شخصی خودمان به تکالیفی که داریم عمل کنیم، به نهایت کمال می‌رسیم و به نهایت رشد انسانی دست پیدا می‌کنیم.

### آثار پایبندی به عهد با خدا

شادی و آرامش باطنی از مهم‌ترین آثار پایبندی به عهد ما با خدا است؛ زیرا این عهد موجب می‌شود تا خود حقیقی یا بخش انسانی مان را بر طبیعت و بخش حیوانی مان حاکم کنیم و هدف اصلی ما در زندگی، رسیدن به خدا و کسب صفات الهی باشد. به همین دلیل دنیا برای ما حکم یک باشگاه را خواهد داشت که قرار است در آن شبیه مربی خود، یعنی خداوند شویم و سختی‌ها و دشواری‌های دنیا نیز حکم تمرین‌های باشگاه را خواهند داشت که ما را به هدف مان نزدیک‌تر می‌کنند؛ بنابراین در مواجهه با مشکلات و سختی‌های زندگی، نه تنها به اضطراب، غصه و ناامیدی دچار نمی‌شویم و احساس بدبختی و بیچارگی نمی‌کنیم، بلکه از همان موقعیت‌ها نیز نور جذب می‌کنیم. برای نمونه با صبر در برابر بیماری‌ها یا غم از دست دادن عزیزان، اسم صبور خداوند را دریافت می‌کنیم؛ با بخشیدن و کینه‌نگرفتن از کسانی که در حق ما بدی کرده‌اند؛ صاحب اسم غفور می‌شویم و با استفاده درست از نعمت‌ها و به جا آوردن شکر آن‌ها؛ اسم شکور را کسب می‌کنیم. علاوه بر این، فراموش نکردن عهد ما با خدا موجب می‌شود تا دائماً در جریان حرکت به سمت معشوق مان هیجان و نشاط داشته باشیم و از تنبلی و بی‌حوصلگی دوری کنیم؛ زیرا می‌دانیم که باید در هر لحظه از زندگی مان با انتخاب‌ها، ارتباط‌ها، افکار و رفتارهای مان به سمت خدا در حرکت باشیم و از هر فرصتی برای کسب صفات الهی استفاده کنیم و این بسیار انرژی بخش و مهیج است.

### چرا برخی از ما عهدمان با خدا را فراموش می‌کنیم؟

با وجود همه خیرات و برکاتی که در عهد ما با خدا وجود دارد، پس چرا برخی از ما آن را فراموش می‌کنیم یا از آن غافل می‌شویم؟ دلیل اصلی فراموشی عهد ما با خدا، عدم خودشناسی است؛ اگر خودمان را به معنای حقیقی نشناخته باشیم و ندانیم از کجا و برای چه به دنیا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت، در حقیقت عهدمان با خدا را فراموش کرده ایم؛ زیرا در این حالت، خود حقیقی یا بخش انسانی مان، که روح دمیده شده از سوی خداوند در وجود ماست را از یاد برده ایم؛ در نتیجه دائماً مشغول معشوق‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و عقلی هستیم و از حرکت به سمت الله و کسب تجهیزات مورد نیاز آخرت غافل می‌شویم. دلیل دیگر فراموشی و غفلت از عهد ما با خدا، حملات شیطان است. شیطان همواره سعی دارد با حملات چهارگانه خود، ما را از رسیدن به هدف خلقت مان بازدارد؛ بنابراین اگر شیطان و حملات او را نشناسیم، در مسیر حرکتمان به سوی الله، فریب می‌خوریم و از حرکت بازمی‌مانیم؛ برای مثال در اثر حمله عقب شیطان، مدام غصه اشتباهات، شکست‌ها، کدورت‌ها و گناهان گذشته را می‌خوریم و در حمله جلو، دائماً نگرانی و اضطراب آینده را داریم و همین موجب غفلت ما از عهدمان با خدا و زندگی بر پایه فطرت می‌شود.

در این درس درباره عهد انسان با خدا صحبت کردیم. گفتیم که نمی‌توان وجود عالمی به نام ذر را پذیرفت و قبول کرد که ما با همین مختصات زمینی در آنجا عهدی تنظیم کرده باشیم و منظور از عهد ما با خدا این است که وجود روح بی‌نهایت طلب ما که نفخه‌ای از خداست سبب عهد ما با خداست؛ زیرا ما با تمام وجود عاشق بی‌نهایت بوده و متمایل به دست آوردن بی‌نهایت هستیم؛ در نتیجه منظور از عهد ما با خدا این است که حقیقت ما از خداست و ما به دنیا آمده ایم تا صفات الهی را کسب کنیم و شبیه خدا شویم. وفا کردن ما به این عهد یعنی در دنیا دائماً مبدأ و معاد خودمان را به یاد داشته باشیم و در مسیر کسب قلب سلیم و شباهت به الله حرکت کنیم؛ در نتیجه، تولدی سالم به آخرت خواهیم داشت و به

خوشبختی ابدی می‌رسیم. شادی، آرامش، نشاط دائمی و دوری از تنبلی و بی‌حوصلگی از علامت‌های یک فرد وفادار به این عهد الهی است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer